

## خسارت های اخلاقی و معنوی زاید بر دیه و راهکار قانونی برای جبران آن

صادق حسن نژاد<sup>۱</sup>، دکتر سید مهدی قریشی<sup>۲\*</sup>، دکتر محمدحسن جوادی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

۲. گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۵)

### چکیده

**زمینه:** بسیاری از مواقع در خسارتها آنچه که مورد تضییع و هجوم قرار می گیرد، امور غیر مادی مربوط به شخصیت انسان از قبیل حیثیت، آبرو، عواطف و احساسات و مانند آن می باشد که همگی آن ممکن است حسب مورد ایجاد کننده ی خسارت معنوی برای فرد شده و سبب رنج اخلاقی و لطمه به حقوق غیرمالی او شود. با توجه به این امر پژوهش حاضر با هدف بررسی خسارت های اخلاقی و معنوی مضاعف از ضرب و جرح شکل گرفت و به راهکارهایی که قانون برای جبران این خسارت ها در نظر گرفته اشاره دارد.

**نتیجه گیری:** از دیدگاه شارع اسلامی هیچ تردیدی در پذیرش اصل مفهوم خسارت معنوی و جبران آن در فقه و قوانین موضوعی کشور وجود ندارد و قاعده لاضرر که از مسلمات فقهی است آن را پوشش داده و بر آن صحه می گذارد؛ از طرفی خسارات معنوی را می توان مصداقی از بحث برانگیزترین مباحث مسئولیت مدنی دانست؛ بحث برانگیز از این جهت که در خصوص قلمروی این نوع خسارات و به ویژه چگونگی و شیوه های جبران خسارات معنوی اتفاق نظر وجود ندارد. به نظر میرسد آنچه باعث تبدیل این موضوع به یک مشکل حاد قوه قضاییه شده است، عدم اهتمام به ضرورت توجه به جبران صدمات روحی و جسمی مضاعف از ضرب و جرح (خسارت مازاد بر دیه) و شناختن درست ماهیت و فلسفه دیات از یک سو و نداشتن تحلیلی جامع از مشکلات اجرایی مواد قانونی دیات از سوی دیگر است.

**کلیدواژگان:** دیه، خسارت اخلاقی، راهکار قانونی

### سر آغاز

بعضی از فقهای معاصر قائل به این شده اند که اخذ هر گونه خسارتی، غیر از آنچه به عنوان دیه تعیین شده است، در جنایات جایز نبوده و مشروعیت ندارد (۲). عده ای هم به صراحت لزوم جبران خسارت های زاید بر دیه مقدر را به استناد سایر ادله شرعی مورد پذیرش قرار داده اند (۳). بعضی دیگر پا را از این فراتر گذاشته و فتوا به لزوم پرداخت مخارج معالجه خسارت، از کار افتادگی و سایر ضررهای مالی ناشی از جنایت به نحو مستقل و جدای از دیه مقدر داده اند (۴).

برخی از حقوقدانان خسارت معنوی را صدمه به منافع اخلاقی<sup>۳</sup>، عاطفی و غیر مالی تعریف کرده اند (۵). و قانون مسئولیت مدنی نیز در موارد ۱ و ۲ بدون ارائه تعریف دقیقی از آن، این خسارت را قابل جبران دانسته است؛ اما آنچه از بررسی کتاب های حقوقی به دست می آید، این است که خسارت معنوی ناشی از صدمات جسمانی به دو صورت قابل تصور خواهد بود:

(۱) دردهای جسمی و رنج های روحی که شخص آسیب دیده ناچار به تحمل آنهاست.

طبق قانون مسئولیت مدنی<sup>۱</sup> هرگونه ضرر اعم از مادی و معنوی مسئولیت آور بوده و وارد کننده آن موظف به جبران می باشد و خساراتی همچون هزینه معالجه، خسارت از کارافتادگی، افزایش مخارج زندگی و حتی خسارت اخلاقی و معنوی مثل از بین رفتن آبرو قابل مطالبه است. یکی از مصداق خسارت معنوی<sup>۲</sup>، خسارت مازاد بر دیه است؛ زیرا هر فرد بر اثر صدمات جسمی منافع و خسارتهای مختلف مادی و معنوی را نیز از دست می دهد که بعضاً پرداخت دیه مقرر برای جبران بسیاری از این صدمات کفایت نخواهد کرد. بررسی چگونگی جبران اینگونه خسارات به ویژه خسارتهای معنوی که دیه مقرر برای جبران آن کافی نیست از جمله مباحث قابل بررسی در محاکم حقوقی و مباحث فقهی است (۱).

تا پیش از عصر حاضر، مسأله ای به عنوان خسارت زاید بر دیه در میان فقها مطرح نبوده است. در عصر حاضر نیز اگرچه این مسأله تا حدودی در میان فقها مطرح شده است، اما در مورد آن اختلاف نظر فراوانی وجود داشته و نظرات متفاوتی در پیرامون آن بیان گردیده است:

(۲) تألم و تأثر روحی که بستگان شخص آسیب دیده با از دست دادن عزیز خود و یا ملاحظه درد و رنج او پیدا می کنند (۶).

در بین حقوقدانان در این مسئله که آیا می توان خسارت معنوی را با پول ارزیابی و جبران نمود، اتفاق نظر وجود ندارد. گروهی آن را جبران ناپذیر می دانند و از آلائش های مادی مبرا می شناسند؛ این گروه می گوید: چگونه می توان درد جانکاه مادری که فرزند خویش را از دست داده است جبران کرد و با چه تعبیر آبرو و حیثیت بر باد رفته انسان شریفی را ممکن است با پول بازگرداند؟ علاوه بر این، از آنجا که زیان وارد شده جنبه مادی ندارد، دادرسی نمی تواند میزان آن را تعیین و خطاکار را به جبران آن محکوم سازد؛ پس ناچار بایستی میزان خسارت را با درجه تقصیر بسنجد و خطا هرچه سنگین تر باشد، حکم به خسارت نیز فروتن تر می شود، یعنی پولی که به عنوان جبران ضرر و تأمین وضع زیان دیده بایستی پرداخت شود به صورت نوعی غرامت و کیفر کار مقصر در آید که با هدف مسئولیت مدنی و جدایی آنان از مسئولیت کیفری<sup>۴</sup> منافات دارد.

اگرچه از برخی از نوشته های حقوقی استظهار می شود که ضرر در ناحیه جسم، فقط مادی است (۷) و در مقابل برخی دیگر از نوشته ها آن را صرفاً معنوی به شمار آورده اند (۸) با دقت در هر خسارت بدنی در می یابیم که مواردی نظیر آسیب وارده بر جسم یا روان، درد و رنج، اضطراب و فشار عاطفی، از دست دادن درآمد و قدرت کسب درآمد، هزینه های معالجه و دارو و دیگر هزینه های جانبی آن، زیان وارد بر اموال یا تجارت که به صورت مستقیم از زیان جسمی یا روانی ناشی می شود، از مصادیق مختلف معنوی و مادی زیان های جسمانی به شمار می آیند. بنابراین زیان دیده با آسیب های جسمانی<sup>۵</sup>، سرمایه های مختلف مادی و معنوی را از دست می دهد، از اینرو باید تصریح کرد که هر آسیب به بدن و سلامتی آن، دارای دو جنبه مادی و معنوی است که زیانکار ملزم به جبران این دو جنبه از خسارت است و زیان دیده می تواند خسارت مادی و معنوی را مطالبه کند. با وجود اینکه ديه روشی است که در حقوق اسلامی در ازای آسیب های بدنی و تلف جانی پیش بینی شده است، فقهای معاصر و حقوقدانان اسلامی<sup>۶</sup> سؤال های مهمی را در این زمینه مطرح کرده اند که آیا ديه تنها یک روش جبران خسارت است؟ آیا ديه تنها مجازات و کیفر جانی به دلیل جنایتی است که مرتکب شده است؟ آیا شارع آن را برای تمامی زیان های مادی و معنوی مقرر داشته است یا ديه تنها اختصاص به زیان های مادی دارد و شامل زیان های معنوی نخواهد بود؟ سؤال دیگر این است که آیا تعیین ديه مانعی از مطالبه خسارت های مادی و معنوی زاید بر آن نخواهد بود، یعنی آیا بر اساس شرع میتوان عامل ضرب و جرح را به پرداخت مخارج بسیار بالای معالجات مربوط به ضرب و جرح یا خسارت از کارافتادگی یا صدمات عاطفی<sup>۷</sup> ایراد شده به مجنی علیه ناشی از دست دادن عضو یا اعضای بدن یا از دست دادن عزیزی محکوم کرد؟

امروزه باتوجه به گستردگی مباحث حقوقی<sup>۸</sup>، ديه و خسارت مازاد بر آن، ارتباط تنگاتنگی با بحث خسارت معنوی پیدا کرده است. در بعضی از موارد میزان و مبلغ ديه، با خسارت های وارده بر مجنی علیه مطابقت

داشته و در بعضی موارد هیچگونه تناسبی بین خسارت های وارده و ديه ی مقدر شرعی وجود ندارد و چه بسا خسارت های وارده به مجنی علیه، چندین برابر میزان ديه ای است که نسبت به صدمه های وارد شده بر وی معین شده است. در بعضی موارد ممکن است مجنی علیه، متحمل زیان های معنوی شود که امکان جبران این سرمایه های معنوی از دست رفته با تعیین مبلغی پول ممکن نباشد. بدون شک، بی توجهی به چنین مسأله مهمی، خود نوعی تضییع حقوق است که در اسلام از آن نهی شده است (۱)؛ بنابراین خسارات معنوی را می توان مصداقی از بحث برانگیزترین مباحث مسئولیت مدنی دانست. بحث برانگیز از این جهت که نه تنها در فقه و نظام حقوقی ایران، بلکه در سایر نظامهای نوین حقوقی نیز در خصوص قابلیت جبران و قلمروی این نوع خسارات و به ویژه شیوه های جبران خسارات معنوی اتفاق نظر وجود ندارد (۹). پژوهش حاضر با هدف بررسی خسارت های اخلاقی<sup>۹</sup> و معنوی مضاعف از ضرب و جرح شکل گرفت و به راهکارهایی که قانون برای جبران این خسارت ها در نظر گرفته اشاره دارد.

### خسارت معنوی و قابلیت مطالبه آن

ضرر ممکن است ناشی از لطمه یا تجاوز به حقوق مالی یا غیرمالی شخص باشد. «حق غیرمالی امتیازی است که هدف آن رفع نیازهای عاطفی<sup>۱۰</sup> و اخلاقی انسان است». لطمه به حقوق غیرمالی شخص، سبب ظهور خسارت معنوی خواهد بود. ضررهای معنوی ممکن است ناشی از لطمه زدن به یکی از حقوق مربوط به شخصیت، حیثیت، شرافت افراد، اعتبار اجتماعی یا فردی شخص و آزادیهای فردی و یا در نتیجه صدمات جسمانی و یا روحی و یا به طور کلی زیانی که به عواطف افراد وارد می شود، باشد (۹).

از دیدگاه شارع اسلامی هیچ تردیدی در پذیرش اصل مفهوم خسارت معنوی و جبران آن در فقه و قوانین موضوعی کشور وجود ندارد و قاعده عقلی لاضرر که از مسلمات فقهی است آن را پوشش داده و بر آن صحه می گذارد؛ تقریباً اکثر محققان و حقوقدانان قائل به مسئولیت معنوی<sup>۱۱</sup> در نظام حقوقی اسلام و ایران هستند و عمده اختلاف آنها در چگونگی جبران اینگونه خسارت ها می باشد (۱۰).

از آنجایی که موضوع و متعلق خسارت معنوی، اموری مانند حیثیت، آبرو، عواطف و احساسات میباشند؛ عده ای معتقدند امکان جبران مادی<sup>۱۲</sup> آنها با پول نقد وجود ندارد، چرا که امور غیرمادی را نمی توان با معیاری مشخص سنجید و به پول تبدیل کرد؛ در حالی که این نظر صحیح نبوده و جهت تبیین دقیق و چگونگی جبران خسارت ضررهای معنوی باید قائل به تفصیل بود، بدین صورت که نحوه جبران آن با توجه به آثاری که خسارت معنوی ایجاد میکند حسب مورد فرق می کند، به طوری که گاهی نتیجه زیان های معنوی خسارت مادی است که با تقویم آن می تواند مورد مطالبه زیان دیده قرار بگیرد (۱۱). به طور مثال در جایی که به واسطه ی تبلیغ ناروا علیه یک تاجر که در اثر آن قادر به فروش کالای خود نشده است، اگر بتوان اثبات کرد که تنها این عامل باعث نفروختن کالا یا کمتر شدن مشتری شده است و رابطه

شخص زیان زننده را به مبلغی وجه نقد محکوم کنیم که به واسطه ی این وجه نقد، زیان دیده به مسافرت رفته و اندکی حال عمومی او بهتر شود، همین عامل توجیه کننده این مبلغ می باشد، اگر چه این مبلغ مسلماً جبران کننده ی تمام آلام و درد های او نمی باشد؛ اما درباره ی این شق سوم باید کمی بیشتر توضیح داد و بایستی در موارد متفاوت قائل به تفصیل شد، در ابتدا باید گفت که مطلق تحمل درد و رنج را نمی توان منجر به خسارت معنوی قابل جبران دانست، بلکه در مواردی که این درد و رنج بسیار شدید بوده و غیر قابل تحمل و غیر متعارف است بایستی قائل به خسارت معنوی شد؛ به طور مثال زمانی که پدر یا مادر سالخورده ای که وابستگی زیادی هم به اعضای خانواده خود ندارد، به واسطه ی تصادف فوت میکند، در این موارد نمی توان گفت به واسطه ی دردها و رنج هایی که فرزندان از فوت پدر و مادر در خود تحمل کرده اند، قائل به خسارت معنوی شویم، در این موارد گویی این درد و رنج که خیلی هم شدید نیست، به نحوی لازمه ی آن اتفاق بوده و میتوان از جبران آن گذشت، اما اگر در مواردی این درد و رنج بسیار شدید و حاد است و غیر قابل تحمل برای فرد می باشد، در این موارد می توان قائل به خسارت معنوی شد؛ به طور مثال زمانی که پدر و مادری جوان نخبه ی خود را به واسطه ی عمل دیگری از دست می دهند، در این موارد می توانیم بگوییم که از آن جایی که پدر و مادر یک درد و رنج بسیار شدید و غیر قابل تحمل را متحمل شده اند و فرسوده شده اند، اگر بابت مطالبه ی خسارت معنوی در محاکم اقدام به طرح دعوا کردند، می توان با تمسک به این شق سوم که بیان شد، این درد و رنج را تا حدی التیام بخشید، هرچند اندکی باشد (۱۴).

در اینجا لازم است که به ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و تبصره های آن اشاره کرد که قانونگذار در ماده ۱۴ این قانون بیان داشته که شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و نافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند و در تبصره ی این ماده آمده است که زیان معنوی عبارت است از صدمات روحی<sup>۱۵</sup> یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی خانوادگی یا اجتماعی، همانطور که مشاهده می شود، تعریف قانونی نیز همان تعریف مشهور و معروف از خسارت معنوی است، اما حکمی در تبصره ی ۲ این ماده بیان شده که کمی قابل تأمل است، ذیل تبصره ی ۲ این ماده بیان شده است که خسارت معنوی شامل جرایم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه نمی شود و این عبارت به این معنا است که اگر کسی مرتکب جرمی که مستوجب دیه یا تعزیر منصوص شرعی هست، گردد دیگر نمی توان از باب خسارت معنوی اقامه ی دعوا کرد، دلیل این امر همان طور که پیش از این بیان شده، این است که فقهاء معتقدند که دیه بیشتر از باب جبران خسارت معنوی است تا جبران خسارت مادی (۱۵).

### نگرش های مختلف به مطالبه خسارت معنوی

خسارت معنوی از جمله موضوعاتی است که نه تنها در حقوق ما بلکه در سایر نظام های حقوقی نیز جزء پیچیده ترین و بحث برانگیزترین موضوعات حقوقی است. مخالفان جبران این نوع خسارت معتقدند از

سببیت میان عمل فرد و نتیجه اتفاق افتاده وجود دارد، می توان قائل به جبران خسارت وارده به وسیله ی وجه نقد شد، اما گاهی مواقع زیان وارده صرفاً جنبه ی معنوی داشته است و قابل تقویم به وجه نقد نمی باشد، در این موارد زیان رساننده محکوم جبران زیان معنوی می شود، به طور مثال اگر معلمی سر کلاس دانش آموزی را دزد خطاب کرده است، از این جهت خسارت معنوی به او وارد شده است، در جلسه ی بعدی همان معلم در حضور همه ی دانش آموزان به اشتباه خود اعتراف کرده و از او عذرخواهی می کند و یا اگر سردبیر روزنامه ای در ستونی از روزنامه اش مطلبی توهین آمیز پیرامون شخصی می نویسد و از این بابت خسارت معنوی به فرد وارد می شود، دادگاه می تواند او را محکوم به درج عذرخواهی در همان ستون از فرد آسیب دیده بکند، همان طور که قانونگذار در ذیل ماده ۱۰ ق.م.م به این نکته اشاره کرده است و در باب کسی که به حیثیت دیگری لطمه می زند، بیان کرده که دادگاه می تواند در صورت اثبات تقصیر<sup>۱۶</sup>، علاوه بر صدور حکم به خسارات مالی، به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم و جراید و امثال آن اقدام نماید (۱۲). شق دیگری از این گونه خسارتهای جایی است که خسارت معنوی باعث آثار غیر مالی شده است که از راههای غیرمادی قابل جبران نیست، به طور مثال هر گاه شخصی به واسطه ی عمل دیگری جراحی و یا خسارتی بر او وارد می شود که به واسطه ی این آسیب، درد و رنج و آلام روحی زیادی را فرد متحمل می شود، در این موارد باید دید که آیا می توان عوضی را در برابر این آلام و دردهای متحمل شده و یا ضرباتی را که به عواطف و احساسات افراد وارد می شود، تعیین کرد یا خیر؟ عمده ی اختلافات پیرامون خسارت معنوی به این شق از خسارت ها بازگشت دارد، به نحوی که عده ای معتقدند که از آن جایی که آثار خسارت در این موارد غیرمادی است و از آنجایی که نمی توان سنجش برای امور غیرمادی در نظر گرفت، بنابراین علی الاصول این موارد قابل جبران مادی یا غیر مادی نمی باشند، بلکه صرفاً می توانند از بعد اخلاقی<sup>۱۷</sup> و مذهبی برای آن آثاری بار کرد؛ به این نحو که فرد صدمه زننده فردی غیر اخلاقی بوده و حسب مورد ممکن است که مرتکب فعل حرام شرعی شده باشد که اگر در قانون مجازاتی برای آن قرار داده شده باشد، فرد بایستی آن مجازات را تحمل کند.

عده ای دیگر معتقدند که اگر چه در این موارد معیاری جهت اندازه گیری و تبدیل آن به وجه نقد وجود ندارد و اصولاً اقدامی غیر مادی نیز به التیام فرد کمک نمی کند، اما با توجه به اطلاق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی که تعیین خسارت و نحوه جبران آن را بر عهده ی قاضی گذاشته است، می توان مقداری وجه نقد را به عنوان خسارت تعیین کرد (۱۳). با این استدلال که اگرچه این وجه نقد نمی تواند جبران کننده ی تمام آلام و درد و رنجهای متحمل شده فرد باشد، ولی از آنجا که می تواند قدری خشنود کننده باشد، همین عامل کفایت می کند؛ به طور مثال شخصی که به واسطه ی ضرر مادی که دیگری بر او وارد ساخته است، مجبور به تحمل عمل های جراحی پیاپی شده و به واسطه ی این عمل ها درد و رنجهای زیادی را تحمل کرده است، اگر

لحاظ نظری، فنی و اخلاقی می توان گفت که خسارات معنوی قابل جبران نیستند:

۱. بعد نظری (قابل تقویم نبودن به پول): یعنی زیان معنوی با امور مادی اختلافات ماهوی داشته و اینگونه امور نمی تواند موجب جبران آن بشود (۱).

۲. بعد فنی (مشکل بودن تعیین این نوع خسارت برای قاضی): چون موضوع زیان های معنوی اموری غیرمادی و غیرمحسوس است، ارزیابی میزان اینگونه زیان ها برای قاضی و دادرس به نحو روشن و واقعی غیرممکن است. لذا دادرس در مقام برآورد میزان این نوع زیان ناچار باید بر اساس میزان تقصیر که ممکن است سبک یا سنگین و حسب مورد و به ترتیب، باعث ورود خسارت سنگین یا سبک بشود، اقدام کند که این امر نیز سبب می شود که یا برخی از خسارات جبران نشده باقی بماند یا متضرر و مدعی، سودی بیش از مقدار زیان وارده، تحصیل کند. اینها هر دو، برخلاف هدف مسؤولیت مدنی که جبران خسارت وارده و اعاده وضع متضرر به حال قبل از تحمل خسارت است، می باشند (۱۶).

۳. بعد اخلاقی (زننده بودن مطالبه پول در قبال تألم روحی): معتقدند ناگوار و زننده است که متألم از خسارت معنوی به محکمه رجوع و تألم خود را با پول مطالبه کند. وضع روحی کسانی که به علت آسیب معنوی ادعای خسارت می کنند همیشه عاری از انتقاد نیست، از آن رو که، یا می خواهند از حادثه ای که پیش آمده است بهره ببرند یا قصد انتقام دارند که این کار هم مسؤولیت مدنی را از هدف خاص که ترمیم خسارت است دور می کند (۱۷).

ارزیابی خسارت معنوی ناشی از صدمات جسمانی، یا به طور کلی، ارزیابی خسارات معنوی یکی از مشکلات مهم در حوزه مسؤولیت مدنی است که از آن به بحران مسؤولیت مدنی تعبیر شده است. برخی حقوقدانان اروپایی برای حل این بحران، بر اساس نوع صدمات وارده برای جبران این نوع خسارات تعیین مبلغ معین و ثابت را پیشنهاد کرده اند. در مقابل، در حقوق فرانسه جبران خسارت صدمات روحی به پول، «اعتراض برخی از نویسندگان را برانگیخته است زیرا آنان رفتار این زیان دیدگان را که اشک را با پول عوض می کنند و اندوهشان را با پول می خشکانند، نفرت انگیز می دانند». هر چند بسیاری از قوانین و مقررات، معیارهای مشخصی را برای ارزیابی خسارت معنوی ارائه نمی کنند ولی بر اساس بند دوم ماده دهم اصول مسؤولیت مدنی اروپایی و رویه قضایی محاکم در اروپا، معیارهایی همانند اوضاع و احوال و اهمیت ضرر معنوی، مدت و شدت دردهای جسمانی و روانی، اختلالات و ناراحتی هایی که زیان دیده متحمل شده، محدودیتی که برای آزادی های زیان دیده ایجاد شده و ... می تواند در جهت ارزیابی مالی خسارت معنوی، مورد استفاده قرار گیرد. امروزه در نظام حقوقی فرانسه، جبران خسارات مادی و معنوی ناشی از آسیب های بدنی بر اساس فهرستی موسوم به «فهرست دینتیاک» صورت می پذیرد. خسارات معنوی پیش بینی شده در این فهرست، مواردی از قبیل نقص در کارایی موقتی و دائمی، درد و رنج، نقص در زیبایی، آسیب پذیری در انجام فعالیت های ورزشی یا تفریحی، از دست

دادن شانس ازدواج، تشکیل خانواده و فرزند آوری و ... را شامل می شود. در نهایت باید به این نکته نیز توجه نمود که پرداخت خسارت معنوی نباید به عنوان وسیله ای برای دارا شدن زیان دیده، قلمداد شود. هدف از جبران خسارت معنوی، تحصیل رضایت معنوی زیان دیده به دلیل درد و رنجی است که متحمل شده، نه تحصیل رضایت مالی وی؛ بر همین اساس رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، برای تعیین خسارت معنوی دو اصل «انصاف» و «تناسب» را مورد توجه قرار می دهد (۱۸ و ۱۹).

### نگرش نظام حقوقی ایران به مطالبه خسارات معنوی

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، صراحتاً خسارت معنوی را با قیودی، قابل جبران دانسته است. به موجب ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «شاکی می تواند جبران تمام ضرر و زیان های مادی و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند». هر چند که متن ماده مزبور، دلالت بر جبران خسارات معنوی در قالب ضرر و زیان ناشی از جرم دارد ولی تبصره ۱ همین ماده، به گونه ای تنظیم شده که بیانگر یک قاعده کلی در خصوص جبران خسارات معنوی است. به موجب این تبصره «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید». اگرچه منطق قانون نویسی، چنین ایجاب می کند که تبصره مزبور را صرفاً ناظر به حکم مقرر در متن ماده، یعنی ضرر و زیان ناشی از جرم بدانیم ولی منطق حقوقی ما را بدین امر رهنمون می سازد که تبصره مزبور را به عنوان یک قاعده کلی، تفسیر کنیم زیرا تعریفی که قانونگذار از خسارت معنوی و لزوم جبران آن ارائه نموده، هیچ اختصاصی به ارتکاب جرم ندارد و مقید ساختن آن به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم، فاقد هرگونه دلیل و مغایر اطلاق این تبصره است. لذا با توجه به ماده مذکور دیگر هیچ گونه استدلالی در زمینه عدم قابلیت جبران خسارت معنوی، در نظام حقوقی ایران پذیرفته نیست. به ویژه اینکه به نظر میرسد، شورای نگهبان از نظر قبلی خود که خسارت معنوی را مطلقاً خلاف شرع دانسته، عدول نموده است (۱۶).

تأمل در موازین فقهی، حکایت از این موضوع دارد که از نظر شرعی نیز مانعی برای مطالبه خسارات معنوی وجود ندارد. بسیاری از آیات و روایات بر حرمت تعدی به حقوق شخصیت و صدمه به اعتبار و حقوق معنوی افراد تأکید دارد که بر همین اساس می توان، اینگونه صدمات معنوی را مصداقی از ضرر و مشمول قاعده لاضرر تلقی نمود (۱۴).

حکم پیش بینی شده در تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری، از جهت پذیرش خسارت معنوی و امکان جبران آن از طریق پرداخت پول، مشابه ماده ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی است، اما میان تبصره اخیر و ماده ۱۰ قانون مسؤولیت مدنی دو تفاوت بارز وجود دارد؛ نخست حذف قیود «اهمیت زیان و نوع تقصیر» و «اثبات تقصیر» در قانون آئین دادرسی کیفری است. در قانون مسؤولیت مدنی، مبنای مسؤولیت تقصیر بوده

جامع از مشکلات اجرایی مواد قانونی دیات ازسوی دیگر است. ضمن تأکید بر این نکته که باتوجه به دلایلی چون آیه 58 سوره نساء و قواعد فقهی چون قاعده لاضرر، قاعده لاجرح، حکم عقل و بنای عقلا و قوانینی چون مسئولیت مدنی هرگونه ضرر اعم از مادی و معنوی مسئولیت آور بوده و وارد کننده ی آن موظف به جبران خسارت وارده می باشد. با توجه به این مسأله خسارت ناشی از ضرب و جرحی که میزان مقرر دیه، برای رفع صدمات ناشی از آن کافی نباشد را نیز می توان در زمره خسارت معنوی دانست. بنابراین ازجمله مصادیق خسارت مازاد بر دیه میتوان به ضرر و زیان ناشی از آن، هزینه دارو، درمان و معالجات و خسارت از کار افتادگی اشاره کرد. بدیهی است دادرسی موضوع را به کارشناسان مربوط ارجاع می کند تا آنها نسبت به ارزیابی و تقویم زیانهای مالی نظیر بیکاری، از دست دادن منافع، هزینه های معالجه و نیاز به پرستار و وسایل جنبی و کمکی و مخارج دیگر اقدام کنند و دادرسی بر اساس نظر آنها به جبران مالی خسارت مادی حکم خواهد کرد؛ و نهایتاً به مقنن محترم پیشنهاد میشود که وضعیت خسارت زائد بر دیه را در قوانین ماهوی همچون قانون مجازات اسلامی مشخص نموده و قضات را از سردرگمی رهایی بخشد و همچنین هزینه علاج و از کارافتادگی را با حدود و ثغور خویش قابل مطالبه دانسته و شیوه های جبران خسارت معنوی را در قانون تعیین نماید.

### ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

### واژه نامه

|                              |                  |
|------------------------------|------------------|
| 1. Civil liability           | مسئولیت مدنی     |
| 2. Spiritual damage          | خسارت معنوی      |
| 3. Moral interests           | منافع اخلاقی     |
| 4. Criminal liability        | مسئولیت کیفری    |
| 5. Physical injuries         | آسیب های جسمانی  |
| 6. Islamic jurists           | حقوقدانان اسلامی |
| 7. Emotional injuries        | صدمات عاطفی      |
| 8. Legal issues              | مباحث حقوقی      |
| 9. Moral damages             | خسارتهای اخلاقی  |
| 10. Emotional needs          | نیازهای عاطفی    |
| 11. Spiritual responsibility | مسئولیت معنوی    |
| 12. Material compensation    | جبران مادی       |
| 13. Proof of fault           | اثبات تقصیر      |
| 14. Ethical dimension        | بعد اخلاقی       |
| 15. Psychological injuries   | صدمات روحی       |

است، ولی در قانون آیین دادرسی کیفری با توجه به موازین فقهی و مقررات جدید قانون مجازات اسلامی، مبنای مسئولیت قابلیت استناد است. دوم اینکه ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی فقط به سرمایه معنوی اشخاص (زیان وارد به حیثیت و اعتبار شخصی و خانوادگی) اشاره نموده و به قسم دیگر خسارات معنوی (صدمات روحی و زیان های عاطفی) اشاره ای نکرده است. همین عدم پیش بینی سبب شده تا رویه قضائی چندان به قابلیت جبران این قسم خسارت معنوی اهمیتی قائل نباشد. این نقیصه در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برطرف شده است. به موجب تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون مذکور: «زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است...»؛ بنابراین در حال حاضر خسارات معنوی، هر دو نوع خسارات مزبور را شامل می شود (۱۳).

### نتیجه گیری

پویایی دانش فقه در گرو پاسخگویی آن به پرسشهایی است که در طول زمان پدید می آید و معضلاتی را فراروی جامعه مؤمنین به وجود می آورد. هر گونه تغییر و تحول در دل دانش فقه لزوماً باید به حفظ پیام اصلی شریعت که همان کتاب و سنت است بینجامد. این دیدگاه که تحول در احکام شریعت جز با کنار گذاشتن آن امکان ندارد از منطق درستی برخوردار نیست. دین مبین اسلام به منظور حفظ و حراست جامعه از حیث قتل و ضرب و جرح، قانونی را تحت عنوان دیه تشریع نموده است و از مباحث قابل تأمل و مهم در شریعت اسلام، بحث قابلیت تغییر پذیر بودن مقدار دیه است. احکام دیه در عصر و زمان خود جزء دقیق ترین و سنجیده ترین مقرراتی بوده است که وضع گردیده است. اگر آن را کاخ بلندی بر ویرانه های بر جای مانده از عادات و رسوم عربی جاهلی نامید، سخنی به گزاف نیست. اما از زمان تأسیس این حکم تاکنون هزار و اندی سال می گذرد و از این رهگذر تغییرات بسیار ژرف و وسیعی در تمام عرصه های زندگی بشر اتفاق افتاده است. کاملاً طبیعی است اگر گفته شود این مقررات اکنون نیازمند باز اندیشی و اجتهاد از نو است، زیرا بسیاری از مقررات دیه امروزه با چالشهای علمی و عملی فراوان مواجه گردیده که چشم بستن بر آنها می تواند به انزوای فقه و کنار رفتن تدریجی آن از صحنه اجتماع منجر گردد.

ارزیابی و تقویم خسارتهای معنوی ناشی از آسیبهای جسمی یعنی دردها و آلام، از بین رفتن زیبایی، به هم خوردن توازن و تعادل فیزیکی اعضای بدن، از دست دادن منافع چون قدرت تعقل، بینایی، شنوایی، چشایی، بویایی، لذت جنسی، نطق و صدا، قدرت جویدن، قدرت باروری و مانند آن امری دشوار و مشکل است. به نظر میرسد آنچه باعث تبدیل موضوع ضرر و زیان های ناشی از صدمات جسمانی به یک مشکل حاد قوه قضاییه شده است، عدم اهتمام به ضرورت توجه به جبران صدمات روحی و جسمی مضاعف از ضرب و جرح (خسارت مازاد بر دیه) و نشناختن درست ماهیت و فلسفه دیات از یک سو و نداشتن تحلیلی

## References

1. Fehrest Z, FAsih Ramandi M. (2011). Compensation for moral damages caused by damages in excess of blood money. Quarterly Journal of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law; 7(24). (In Persian).
2. Karimi H. (1986). Judicial standards from Imam Khomeini's point of view: Contains the latest referendums in the field of judicial issues. 1st ed. Iran/Tehran: Shakouri Publication. (In Persian).
3. Marashi SM. (1991). Diyat and damages caused by the crime. Judicial and Legal Journal of Justice; 1(3). (In Persian).
4. Nouri-Hamedani H. (2015). Essay on explaining issues. 5th ed. Iran/Tehran: Adineh Publication. (In Persian).
5. Katouzian N. (1991). Civil rights: civil liability and coercive guarantee 3rd ed. Iran/Tehran: Tehran University Publication. (In Persian).
6. Naghibi A. (2002). Moral damage in Islamic law and the contemporary legal system. 1st ed. Iran/Tehran: Amirkabir Publication. (In Persian).
7. Jafari Langerudi MJ. (1999). Extensive in legal terminology. 1st ed. Iran/Tehran: Ganje Danesh Publication. (In Persian).
8. Shahidi SM, Yazdani A. (2000). Civil law: The realm of civil liability. 1st ed. Iran/Tehran: Adabestan Publication. (In Persian).
9. Shafiei Sarvestani E, Setayesh MK, Gheyasi J. (1997). The law of diyat and the requirements of time. 1st ed. Tehran: Presidential Strategic Research Center. (In Persian).
10. Gholami M, Kalantari K, Goldouzian I, Ismaeili H. (2020). Islamic ethics and civil liability in compensating innocent prisoners: a comparative study of Iranian and American law. Ethics in Science and Technology; 15 :6-12. (In Persian).
11. Ferdowsipour M, Kazemigoo M, Omeri V. (2020). Ethical approach to compensating for moral damage caused by dementia in jurisprudence and Iranian law. Ethical Research; 11(4). (In Persian).
12. Toupa-Ebrahimi S. (2011). An introduction to moral damage in Iranian law. 2nd ed. Iran/Tehran: Asare Andisheh Publication. (In Persian).
13. Afshar H. (2015). Civil liability for compensation for moral damages in Iranian law: by comparative study of methods of compensation for moral damages and the expression of some fatwas of great authorities and examples of judicial rulings. 1st ed. Iran/Tehran: Majd Publication. (In Persian).
14. Rostami Najafabadi H, Mehdi N. (2018). Legal analysis of the nature of moral damages and methods of compensation in the light of jurisprudential opinions. Scientific Quarterly of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law; 11(3). (In Persian).
15. Safaee SH. (2013). Requirements outside the contract. 5th ed. Iran/Tehran: Samt Publication. (In Persian).
16. Najafi Fattahi S. (2004). Material compensation for moral damages in the Iranian legal system. Journal of the Bar Association; 186. (In Persian).
17. Hoseininejad H. (1991). Civil liability. 1st ed. Iran/Tehran: Jihad Daneshgahi Publication. (In Persian).
18. Ghaderi M, Javadi MH, Jafarzadeh S. (2021). Adaptation of civil liability & social justice: attention to the component of intentional fault. Ethics in Science and Technology; 16 (2) :3-9. (In Persian).
19. Karbasforoush G, Varvae A, Tavasoulizadeh T. (2020). Victims' law seen from the perspective of fair trial and ethics in the criminal procedure code of 2013 and the international criminal court statute. Ethics in Science and Technology; 15 (3): 20-25. (In Persian).